

"انعطاف در تاکتیک" یا عقب نشینی استراتژیک!

در این اواخر اطلاعیه مطبوعاتی ششمین کنفرانس منطقوی احزاب و سازمانهای مائوئیست متحد در جنبش انقلابی انترناسیونالیستی جنوب آسیا و اطلاعیه مطبوعاتی سیمینار بین المللی درباره "امپریالیزم و انقلاب پرولتری در قرن 21" منتشر گردید. این اطلاعیه ها در شماره شانزدهم "شعله جاوید" ارگان نشراتی حزب «کمونیست (مائوئیست)» افغانستان در ماه می 1386 (می 2007) در سایت انترنیتی این حزب به نشر رسیده است.

در اطلاعیه مطبوعاتی ششمین کنفرانس منطقوی احزاب و سازمانهای مائوئیست چنین میخوانیم: "درین اواخر، ششمین کنفرانس منطقوی احزاب و سازمانهای مائوئیست متحد در جنبش انقلابی انترناسیونالیستی در جنوب آسیا، در شرایطی از منطقه و جهان که فرصتها و چالشها، بر زمینه ظهور موج نوین انقلاب جهانی و تعرض ضدانقلابی امپریالیزم امریکا، این دشمن عمده خلقهای جهان مقابل نیروهای مائوئیست شدیداً بالارفته است، دایر گردید. این وضعیت بطور مشخص در نپال، جاییکه انقلاب دموکراتیک نوین به رهبری حزب کمونیست نپال (مائوئیست) به سطح تعیین کننده ای رسیده است، مشاهده می شود....". همچنان در این اطلاعیه میخوانیم: «در حالیکه در نپال حزب کمونیست نپال (مائوئیست) به تصرف قدرت سیاسی نزدیک گردیده است....».

در اطلاعیه مطبوعاتی "سیمینار بین المللی درباره امپریالیزم و انقلاب پرولتری در قرن 21" چنین آمده است: "سیمینار بین المللی درباره امپریالیزم و انقلاب پرولتری در قرن 21، به مثابه بخشی از تجلیل از دهمین سالگرد آغاز جنگ خلق در نپال، با شرکت 15 حزب و سازمان مائوئیست موفقانه به پایان رسید، سیمینار در گره گاه تاریخی ای که خلق نپال به سوی یک پیروزی قاطع بالای دشمنانش پیش روی میکند، در حالیکه امپریالیزم امریکا، این دشمن عمده خلقهای جهان، در جنگ تجاوزکارانه اش، در عراق و افغانستان گیر مانده است، برگزار شد. سیمینار با شناخت آگاهانه از پتانسیل عظیم موجود در اوضاع کنونی جهان برای پیشروی های بزرگ انقلابی و خواست فایق آمدن بر ضعف نیروهای کمونیست برای آزاد ساختن این نیرو، دایر گردید.....".

اگرچه از دوشست فوق ("ششمین کنفرانس منطقوی احزاب و سازمانهای مائوئیست...." و "سیمینار بین المللی درباره امپریالیزم و انقلاب پرولتری در قرن 21") توقع می رفت تا تحولات یک ونیم سال اخیر در آن کشور و بطور خاص موقعیت کنونی حزب کمونیست نپال (مائوئیست) را که در این کنفرانسها مورد «تحلیل و ارزیابی» نیز قرار گرفته است همراه با دواطلاعیه فوق به دسترس جنبش بین المللی کمونیستی، توده های مردم و روشنفکران مترقی جهان قرار می دادند.

به هر صورت حال مواردی از دواطلاعیه منتشره فوق را که بیانگر برداشتها و نقطه نظرات احزاب شرکت کننده در دوشست فوق الذکر از موقعیت فعلی حزب کمونیست

نیپال (مائوئیست) و نیز شرایطی که انقلاب خلق نیپال در آن قرار گرفته است، میباید مورد تحلیل و ارزیابی قرار می دهیم.

یک اطلاعیه نظردارده که: "انقلاب دموکراتیک نوین به رهبری حزب کمونیست نیپال (مائوئیست) به سطح تعیین کننده ای رسیده است و حزب کمونیست نیپال (مائوئیست) به تصرف قدرت سیاسی نزدیک گردیده است". البته استنباط ما از مفهوم عبارت تعیین کننده اینست که باید در شرایط فعلی حزب کمونیست نیپال (مائوئیست) در موقعیتی قرار داشته باشد که پیروزی آن در شکست دشمنان طبقاتی آن مسجل بوده و دورنمای روشنی از پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در نیپال به نظر می رسد.

اطلاعیه دیگر مدعی است که: "خلق نیپال به سوی یک پیروزی قاطع بالای دشمنانش پیشروی می کند".

ارزیابی مختصر از سیر تحولات سیاسی کشور نیپال و موقعیت فعلی حزب کمونیست نیپال (مائوئیست) در آن:

تحلیل و ارزیابی واقعینانه در پرتو علم انقلاب پرولتری (مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم) از شرایط کنونی کشور نیپال و وضعیتی که حزب کمونیست نیپال (مائوئیست) و خلق نیپال در آن قرار گرفته اند و هم ارزیابی از موقعیت دشمنان ملی و طبقاتی خلق نیپال (طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور، امپریالیزم و دولت ارتجاعی هند) و میزان سلطه و ستم آنها بر خلق نیپال، خلاف ادعاهای فوق رانشان میدهد. چرا که بر اساس مفاد معاهده «صلح» بین حزب کمونیست نیپال (مائوئیست) و دولت نیپال، ارتش خلق خلع سلاح شده و قرار است که هسته های از ساختار دولت دموکراتیک خلق که در جریان جنگ خلق در حدود 80 درصد مناطق روستائی ایجاد شده بودند یعنی مهمترین و عمده ترین پایگاه انقلاب در کشور نیپال، نیز منحل شوند. و همچنان بر اساس این معاهده و قرارداد (12) ماده ای بین حزب کمونیست نیپال (مائوئیست) و هفت حزب پارلمانی در وسط ماه جنوری امسال، 83 نماینده (یعنی به نسبت یک چهارم اعضای پارلمان) از حزب کمونیست نیپال (مائوئیست) در پارلمان نیپال راه یافتند و بتاريخ 2 اپریل امسال این حزب با کسب پنج مقام وزارت در دولت موقت ائتلافی نیپال شامل گردید. و در همان تاریخ اعلان گردید که در ماه جون امسال انتخابات مجلس موسسان برگزار خواهد شد تا قانون اساسی موقت را تدوین و تصویب نماید.

خلاصه در شرایط فعلی حزب کمونیست نیپال (مائوئیست) بخشی از نظام فئودال کمپرادور وابسته به امپریالیزم و دولت ارتجاعی هند را تشکیل میدهد و کما فی السابق خلقهای ملیتهای مختلف نیپال تحت ستم و استعمار طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور و سلطه امپریالیزم و دولت هند رنج می کشند. و رهبران حزب کمونیست نیپال (مائوئیست) در جریان یک و نیم سال اخیر تمام سعی و تلاش شانرا بخرج داده اند تا احزاب شامل در دولت نیپال را متقاعد نمایند که بطور قانونی نظام سلطنت را لغو و نظام جمهوری را اعلام نمایند اما تاکنون به نتیجه ای عملی نرسیده اند. و نیز بادر نظر داشت ماهیت طبقاتی و مواضع و نظرات اکثریت بزرگ احزاب پارلمانی شامل در دولت،

دورنمای روشنی از عملی شدن این خواست حزب کمونیست نپال (مائوئیست) به این زودیه‌ها نیز به مشاهده نمی‌رسد. پس در شرایط کنونی بادر نظر داشت واقعیت‌های آشکار فوق و حقایق موجود در نپال چگونه ممکن است که بتوان صحبت از این امر نمود که: «انقلاب دموکراتیک نوین به رهبری حزب کمونیست نپال (مائوئیست) به سطح تعیین کننده ای رسیده است و یا حزب کمونیست نپال (مائوئیست) به تصرف قدرت سیاسی نزدیک شده است و یا اینکه: خلق نپال به سوی یک پیروزی قاطع بالای دشمنانش پیشروی می‌کند!» در حالیکه پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین با سیاست، اقتصاد، فرهنگ و نظام طبقاتی مشخص و معین آن از طریق مبارزه مسلحانه (جنگ انقلابی خلق) تحت رهبری طبقه پرولتاریا و سرنگونی قهری طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور و طرد سلطه امپریالیزم و دولت هند در نپال مسجل گردیده و تشکیل دولت دموکراتیک نوین و تاسیس دکتاتوری طبقات انقلابی (کارگران، دهقانان کم زمین و بی زمین، اقشار مترقی خرده بورژوازی و جناح چپ بورژوازی ملی) امکان تحقق می‌یابد.

حال این موضوع را به بحث می‌گیریم که آیا اوضاع و شرایط فعلی در نپال واقعاً به جهتی سیر میکند که این دواطلاعه مدعی اند؛ در حالیکه مشاهده واقعیت‌های عینی در مورد شرایط کنونی در کشور نپال و موقعیت سیاسی و نظامی حزب کمونیست نپال (مائوئیست) خلاف این ادعا را ثابت مینماید. ارزیابی از موقعیت فعلی حزب کمونیست نپال (مائوئیست) و سیر تحولات کنونی در کشور نپال این واقعیت را نشان میدهد که اوضاع به جهت پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین سیر نه نموده و در بهترین حالت آن رهبران حزب کمونیست نپال (مائوئیست) تلاش دارند تا رهبران احزاب مختلف در دولت و پارلمان نپال را باین امر متقاعد سازند که باتوسل به اقدامات قانونی نظام پادشاهی را لغو و نظامی جمهوری را اعلان کنند. این مطلب نیز باید مطلق نظر قرار گیرد که در طی این مدت پراچندا چند بار از دولت تقاضا کرده است تا ارتش آزادی بخش خلق را در ارتش دولتی نپال مدغم نماید که تا حال از آن جواب مثبتی نه گرفته است.

اینک چگونگی تلاشها و مبارزات رهبران حزب کمونیست نپال (مائوئیست) را در طی یک و نیم سال اخیر که در جهت لغو نظام سلطنت و اعلام دولت جمهوری انجام داده اند و واکنشهای دولت و احزاب مختلف شامل در دولت و پارلمان نپال را در زمینه مورد توجه قرار میدهم:

- بتاريخ 27 فبروری (2007) Thapa رئیس حزب (RJP) گفت که: «پارلمان موقت صلاحیت تصمیم‌گیری برای اعلام جمهوری را ندارد».

- بتاريخ 2 مارچ (2007) صدراعظم نپال و رئیس‌کنگره ملی به گونه کنایه آمیزی چنین گفت: «پراچندا بسیار علاقه دارد تا جمهوری را اعلان شود.» و Poudel سکرتر جنرال کنگره ملی نپال تقاضا نمود که قبل از همه باید مشکل موجودیت افراد مسلح حزب کمونیست نپال (مائوئیست) در جامعه و حل مشکل تنظیم تحویل سلاح‌های

ارتش آزادیبخش خلق نیپال، استرداد املاک و جایادهای ضبط شده توسط حزب کمونیست نیپال (مائونیست) در جریان جنگ خلق، حل شود.»

- بتاريخ 13 مارچ (2007) پراچندا در یک جلسه عمومی گفت که: «صدر اعظم در هفته گذشته طی ملاقاتی با او موافقت کرده است تا درباره اعلام جمهوری صحبت شود». همچنان بتاريخ 15 اپریل پراچندا تقاضا نمود تا قبل از انتخابات اسامبله قانونی جمهوری اعلان شود. در خبردیگری گفته شد که: «کمیته مرکزی حزب کمونیست نیپال (مائونیست) تقاضا کرد تا پارلمان قبل از تعیین تاریخ انتخابات اسامبله قانونی جمهوری را اعلان کند.»

- بتاريخ 16 اپریل پراچندا گفت: «پارلمان موقت باید نیپال را جمهوری اعلان کند و نیز باید یک همه پرسی دایر کرده تا سرنوشت پادشاهی را تعیین کند.»

- بتاريخ 8 می 2007 صدر اعظم نیپال چنین گفت: «تاسیس جمهوری آسان نیست و کانگرس ملی نیپال آماده نیست تا جمهوری را از طریق پارلمان اعلان کند و برگرداندن کشور به جمهوری کار آسانی نیست.»

- بتاريخ 13 می قانون دانان حزب کمونیست نیپال (مائونیست) درخواستی را جهت اعلام جمهوری به دارانشاء پارلمان نیپال ثبت نمودند.

- بتاريخ 14 می صدر اعظم نیپال مکرراً گفت که: «طبق تقاضای مائونیستها تاسیس جمهوری آسان نیست.»

- بتاريخ 14 می Amrit Bohara یکی از رهبران بزرگ UML (اتحاد مارکسیست لنینیست ها) {که یک حزب رویونیستی است} گفت که: «اعلان جمهوری باید بوسیله اسامبله قانونی و یا همه پرسی صورت گیرد و نه بطور اتفاقی. همچنان او گفت که: اعلان جمهوری از خواستههای ماست.»

- بتاريخ 14 ماه می 2007 پراچندا از کدرهای حزب و دهقانان ولسوالی دانگ (Dang district) خواست تا اراضی ضبط شده را به صاحبان زمین برگردانند و نیز او گفت: طبق توافق حاصله، حق مالکیت مالکان باید باقی شود و وضعیت دهقانان بالای زمین باید مانند آنچه که قبل از آغاز زدوخوردها بود، باشد». (البته منظور پراچندا از کلمه زدوخوردها جریان سالهای جنگ خلق است- تبصره از ماست)

- بتاريخ 2 جون 2007 کویرالا نخست وزیر نیپال گفت که: «تاسیس جمهوری تنها از طریق انتخابات صلح آمیز برای اسامبله قانونی پایدار خواهد بود، او این مطلب را در یک جلسه عمومی سازمان داده شده بوسیله کانگرس نیپال در "برتاموند" در ضلع جاپا اظهار داشت. او تعهد کرد که انتخابات اسامبله قانونی را در ماه نومبر در ختم امسال برگزار نماید و او ادعا کرد که انتخابات اسامبله قانونی یک تغییر تاریخی را در کشور بوجود خواهد آورد.»

- در همین تاریخ (2 جون) معین وزارت خارجه امریکا برای دموکراسی، حقوق بشرو کار طی صحبتی در کاتمندو گفت که: «حکومت امریکا قویاً از انکشاف

پروسه صلح ودموکراسی درنیپال پشتیبانی میکند وما پروسه صلح را تاتامین موفقیت آن کمک خواهیم کرد.....».

- بتاريخ 4 جون پراچندا صدر حزب کمونیست نپال (مائونیست) دریک برنامه ای که بوسیله اتحادیه اتاق تجارت و صنایع نپال سازمان داده شده بود گفت: "در اینجا دسته جمعی کوشش میکنند تا طوری وانمود سازند که حزب ما بر ضد سرمایه گذاری خارجی و سرمایه خارجی است، این حقیقت ندارد. ما میخواهیم که سرمایه ملی و صنایع ملی توسعه یابد. لکن ما بر ضد سرمایه گذاری خارجی نیستیم." پراچندا زمینداران و سایر عناصر ارتجاعی را متهم کرد که سعی میکنند تا مائونیستها را ضد اقتصاد ملی وانمود کنند. ما بر ضد سرمایه بیگانه نیستیم بلکه بر ضد هژمونی بیگانه هستیم."

- همچنان پراچندا گفت: "حزب ما بر ضد مال و دارائی شخصی موقوف ندارد. بعضی ها ما را متهم میکنند که کوشش میکنیم تا فقر و تنگدستی را توزیع کنیم، لکن او ادعا کرد که ما میخواهیم سعادت و ترقی را توزیع کنیم."

- بتاريخ 6 جون 2007 پراچندا طی گفتگوبا خبرنگاران در "بوتوال" گفت که: "مشوره هندیها علامت خوبی نبود. اوبه کنایه گفت: که توطئه ویک بازی برای ختم مائونیستها در دست تهیه است. زیرا دوکتور منموهان سینگ نخست وزیر هند در جریان دیدار هیئت نمایندگان

- Unified Marxist Leninist (UML) تحت رهبری سکرتر جنرال نی ا حزب از دهلی، به آن مشوره داد که همکاری محکم همراهی کانگرس نپال برقرار کند، لکن صدر حزب کمونیست نپال (مائونیست) قویاً به مقابل این گفته صدر اعظم هند عکس العمل نشان داده و اینرا آغاز یک مداخله خارجی جهت بی اثر کردن اتحاد هشت حزب دانست. او علاوه کرد که: حال موقع آنست تا هریک باید بسوی برگزاری انتخابات اسامبله قانونی حرکت کند، نیروهای ارتجاعی داخلی و خارجی توطئه میکنند..... پراچندا تکرار کرد که اعلان جمهوری بوسیله پارلمان قانونی است. او گفت که: نفی انتخابات اسامبله قانونی میتواند پادشاهی رازنده نگهدارد. همچنان او گفت که: احزاب دیگر هنوز در مورد اعلان جمهوری از طریق فشار تظاهرات خیابانی تردید دارند."

- James F Moriarty سفیر امریکا در نیپال بتاريخ 13 جون 2007 طی بیانیه ای در مرکز معلومات عامه در «پوخارا» گفت که: "اقدامات مائونیستها صلح را تهدید میکند. توقع نمی رود که مائونیستها دموکراتهای صلح دوست قابل اطمینانی باشند." اینرا از اقدامات قهری روزانه کادرهای آن تجربه کرده ایم. اگر مائونیستها میخواهند که اعتماد و حمایت مردم را داشته باشند، میتوانند آنرا از طریق رقابت دموکراتیک در انتخابات آزاد حاصل کنند و نه از طریق خشونت.»

- او اضافه کرد که: " من در سال گذشته بارها به تکرار گفته ام که چیز بسیار مهم در نپال پروسه صلح است. من با سخنان صریح به مقابل بیرحمی های مائوئیستها و گروپ های دیگر شکایت کرده ام که این پروسه از مسیر آن خارج میشود. این تنها گفته من نیست من فکرمیکنم بسیاری بآن موافق اند که این بیرحمیها پروسه صلح را تهدید میکنند. صلح فقط فقدان جنگ نیست، مائوئیستها با بیرحمی و تهدید پروسه صلح را از مسیر آن خارج میکنند و در نتیجه آینده تمام نپالیهارا تهدید میکنند." او ادامه داد، " درخاتمه، ماهمه آرزومند بودیم که داخل شدن مائوئیستها در حکومت در اول اپریل آنها را وادار کند که مانند یک جریان عمده حزب سیاسی رفتار خواهند کرد. در عوض، از همان تاریخ لیگ جوانان کمونیست جنون آمیز حرکت میکند."
 - سفیر امریکا گفت که: " رفتار خوشونت آمیز مائوئیستها و تقسیم نژادی دو مانع عمده برای صلح و دموکراسی هستند. هم چنان او گفت: دولت امریکا پشتیبانی اش را از کوشش های حکومت نپال برای صلح و دموکراسی ادامه خواهد داد و آشکار کرد که نپال کمک بیش از 50 ملیون دالر امریکا را امسال بدست خواهد آورد."
 - (سخنان سفیر امریکا از یک طرف ظاهراً حمایت دولت امریکارا از پروسه «صلح» در نپال نشان میدهد و از جانب دیگر نارضائی و ناخرسندی دولت امریکارا از رفتار مائوئیستها آشکار میسازد. ناگفته نماند که دولت امریکا هنوز حزب کمونیست نپال (مائوئیست) را یک گروه «تروریستی» می شناسد.)
 - بتاريخ 15 جون Rana رئیس حزب Rastriya Prajatantra Party (RPP) گفت که: " اعلام جمهوری توسط پارلمان، قبل از انتخابات اسامبله قانونی یک دکتاتوری دیگری را دعوت خواهد کرد."
 - بتاريخ 15 جون Ram Chandra Poudel وزیر صلح و بازسازی افشا کرد که قرار یک موافقت نامه مخفی بین صدراعظم و پراچندا صدر حزب کمونیست نپال (مائوئیست) تعداد ارتش آزادی بخش خلق در قرارگاه ها به نصف یعنی (15.000) نفر تقلیل خواهد یافت. لاکن Annanta معاون قوماندان ارتش آزادی بخش خلق گفت که: " چنین پیشنهادی از طرف حکومت ارائه شده است لاکن داشتن معلومات از موافقت نامه را تکذیب کرد."
- (منبع: مطالب فوق از سایت انترنیتی Nepalnews. Com گرفته شده است)

حال با ملاحظه مطالب مختلف فوق الذکر توجه نمائید که بعد از برخورداری حزب کمونیست نپال (مائوئیست) از حق عضویت (83) نماینده در پارلمان و (5) وزیر در کابینه دولت نپال و با در نظر داشت سیر تحولات سیاسی در یک ونیم سال اخیر در کشور نپال، موقعیت سیاسی و نظامی حزب کمونیست نپال (مائوئیست) بعد از امضای

قرارداد «صلح» بادولت نپال وموقف آن دربرابرمسائل اقتصادی واجتماعی نپال ازچه قراراست؟ آیاچگونه ممکن است که بتوانیم این تحولات رااین طورارزیابی نمائیم که: « انقلاب دموکراتیک نوین به رهبری حزب کمونیست نپال(مائونیست) به سطح تعیین کننده ای رسیده است ویا این حزب به تصرف قدرت سیاسی نزدیک گردیده است ویااینکه: خلق نپال به سوی یک پیروزی قاطع بالای دشمنانش پیشروی می کند»!

درحالیکه با درنظرداشت واقعیت‌های عینی وحقایق موجوددرنپال تحولات سیاسی وموقعیت سیاسی ونظامی کنونی حزب کمونیست نپال(مائونیست) خلاف ادعای فوق را نشان میدهد.

همه میدانیم که دولت فعلی نپال که حزب کمونیست نپال (مائونیست) در آن شرکت دارد از نظر ماهیت و خصلت طبقاتی چگونه دولتی است؟ این دولت وسیله سیادت طبقاتی طبقات استثمارگر (طبقات فئودال وکمپرادور) تحت سلطه امپریالیزم ودولت ارتجاعی هنداست. مقامات تصمیم گیرنده در ارکان سه گانه دولت اکثریت بزرگ آنها همانا نمایندگان طبقات ارتجاعی فئودال وکمپرادور وابسته امپریالیزم ودولت هند اند. ماشین سرکوب دولت فئودال کمپرادوری در نپال متشکل از ارتش، پولیس، دستگاه پولیس مخفی، محاکم قضائی، دادستانیها، زندانها وغیره همه وهمه در اعمال ستم بر توده های خلق نپال عمل می کنند وقدرتهای امپریالیستی خصوصاً دولت امریکا ودولت ارتجاعی هند بطور همه جانبه این ماشین سرکوب خلق نپال وکلاً این دولت را حمایت، کمک وتجهیز میکنند. اینها همه وسایلی اند که در سرکوب خلق نپال بکار گرفته میشوند واین نهادهای سرکوبگر تحت کنترل طبقات ارتجاعی قرار دارند.

درحالیکه حزب کمونیست نپال(مائونیست) بعد از خلع سلاح ارتش آزادیبخش خلق وانحلال ساختارهای انقلابی خلق در دهات (که هنوز ادامه دارد) در برابر این همه ستم واستثمار، اجحاف وبی عدالتی ای که در شرایط فعلی بوسیله طبقات ارتجاعی بر خلق نپال اعمال میشود، حزب کمونیست نپال(مائونیست) بجزشکوه وشکایت ویا انتقاد واعتراض از طبقات حاکم ستمگر در برابر ستم ومظالم آنها بر خلق نپال دیگر چه میتواند انجام دهد؟! در شرایط کنونی حزب کمونیست نپال(مائونیست) در دولتی شرکت دارد که با استفاده از همه ارگانهی سرکوبگرش بر خلقهای ملیتهای مختلف نپال ستم رواداشته وآنهارا مورد استثمار بیرحمانه قرار میدهد. آیا شرکت حزب کمونیست نپال(مائونیست) در چنین دولتی چگونه باید توجیه شود؟ وموجودیت کمونیستهای مائونیست در چنین دولتی چگونه وبا کدام معیار باید مورد ارزیابی قرار گیرد؟ آیا رهبران حزب کمونیست نپال(مائونیست) وکدرها واعضای آن که بحیث پیچ ومهره های (در مقامات عالی وسایر مقامات) این ماشین دولتی انجام وظیفه میکنند؛ شرایط فعلی را برای شان چگونه توجیه می نمایند؟ درحالیکه یک نیروی کمونیست انقلابی در جریان مبارزه طبقاتی وملی ممکن است در شرایط خاصی مجبور به مصالحه ویاگذشت‌های تاکتیکی بادشمنان طبقاتی وملی توده های خلق بشود؛ لاکن هرگز در استثمار و ستمگری توده

های خلق با طبقات ارتجاعی هم‌نوا نه شده و یا در نظام سرکوب‌گروست‌م‌گرتوده های خلق شریک نمی‌شود!

در شرایط فعلی حزب کمونیست نپال (مائوئیست) بخشی از دولت ارتجاعی نپال را تشکیل می‌دهد و در واقع در تمام تصمیمات و اقدامات این دولت که علیه توده های خلق نپال عمل می‌کند، سهم است. کمونیست‌های (مائوئیست) با هر نیت نیکی که در بخش‌های که در دولت موظف اند به توده های مردم خدمت کنند؛ در تحلیل نهائی باز هم همان دولتی راه‌مکاری و تقویت می‌کنند که وسیله سیادت طبقاتی طبقات ارتجاعی نوکرامپریالیزم و دولت ارتجاعی هند است. دولتی که محکوم به نابودی است و باید بوسیله قهر انقلابی توده های خلق سرنگون گردد. همان طور که در طی بیش از یک دهه خلق زحمتکش نپال تحت رهبری حزب کمونیست نپال (مائوئیست) در جهت سرنگونی سیادت طبقاتی طبقات ارتجاعی و سلطه امپریالیزم و دولت ارتجاعی هند مبارزه کرده و بهترین فرزندان شان در این راه قربانی شده اند.

حتی همان دولت جمهوری که رهبران حزب کمونیست نپال (مائوئیست) در تلاش تشکیل آن اند و خاصاً در جریان یک سال اخیر بخاطر تشکیل آن با احزاب پارلمانی و دولت نپال در جدال و مبارزه بوده اند؛ باز هم از نظر ماهیت همان دولت دکتاتوری طبقات ارتجاعی وابسته امپریالیزم و دولت هند خواهد بود. این تغییر شکل نظام که در موردش تحقق یک خواست دموکراتیک به شمار می‌رود؛ هیچ‌گونه تغییری درستم و استثماری توده های خلق نپال بوجود نخواهد آورد. و موقعیت حزب کمونیست نپال (مائوئیست) در دولت جمهوری نیز طوری خواهد بود که در شرایط فعلی است و شاید کمی متفاوت. زیرا اعلام جمهوری تضاد آشتی ناپذیر توده های خلق نپال با طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور و امپریالیزم و دولت هند را حل نمی‌کند. و اگر اوضاع به همین منوال ادامه یابد، این حزب به لحاظ توان مندی سیاسی و نظامی حتی در موقعیت نازلتری قرار خواهد گرفت. زیرا حزب با خلع سلاح ارتش آزادی بخش خلق و انحلال ساختارهای انقلابی توده ای در دهات را که پایگاه عمده انقلاب را تشکیل می‌داد از دست داده و یاد رآینده از دست خواهد داد.

حالا این سوال در برابر نویسندگان این اعلامیه ها قرار می‌گیرد که آنها در شرایط فعلی بر اساس کدام فکتها و یا بر روی کدام زمینه های عینی می‌توانند استناد نمایند که حزب کمونیست نپال (مائوئیست) در حال به پیروزی رساندن انقلاب دموکراتیک نوین و تشکیل دولت دموکراتیک خلق تحت رهبری طبقه کارگر است؟ و یا به تصرف قدرت سیاسی نزدیک شده باشد؟ که هیچ مورد قانع کننده ای در شرایط کنونی وجود ندارد. جز اینکه واقعیت تلخ همین موقعیت فعلی حزب کمونیست نپال (مائوئیست) را که در واقع موقعیت انقلاب خلق نپال است، به پذیرند. بعبارت دیگر آنچه که بقول رهبران حزب کمونیست نپال (مائوئیست) در حال تجربه کردن آن اند، مرحله «استحکام در استراتژی و انعطاف در تاکتیک» است. و یا به نظر ما پذیرش همین حالت «صلح

وآستی» بادشمنان طبقاتی خلق بجای ادامه مبارزه طبقاتی و عالی ترین شکل آن مبارزه مسلحانه (جنگ انقلابی خلق)!

نویسندگان اطلاعیه ها بجای این گونه تبلیغات که حزب در حال پیشرفت و نزدیک شدن به هدف اش یعنی پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین است، اگر برواقعیتها تمکین نموده و حقایق را بیان کنند، احسن خواهد بود. در غیر آن با تحلیل و ارزیابی این چینی از موقعیت حزب کمونیست نپال (مائوئیست) و انقلاب خلق نپال توده های خلق، روشنفکران مردمی و مترقی رانه تنها در کشور نپال که در سراسر جهان نسبت به موقعیت حزب کمونیست نپال (مائوئیست) و انقلاب خلق نپال هر چه بیشتر متوهم میسازند. در شرایط فعلی که امکان دستیابی به اخبار و اطلاعات از طریق رسانه های جمعی تا حدی آسان شده است و تعقیب اوضاع نپال و حصول اطلاع از واقعیت انکشافات و تحولات کشور نپال و وضعیت و موقعیت حزب کمونیست نپال (مائوئیست) برای هواداران جنبش کمونیستی جهانی و سایر نیروهای مترقی مشکل نیست. ولی زمانیکه تحلیل ها و ارزیابیهای با این کیفیت را از احزاب و سازمانهای متشکله جنبش انقلابی انترناسیونالیستی مطالعه کنند به یقین که دچار توهم و سرخوردگی بیشتری میشوند.

این احزاب و سازمانها باید باین نکته توجه نمایند که برخلاف نظرات و ارزیابیهای شان خصوصاً در طی یک سال اخیر حزب کمونیست نپال (مائوئیست) از موضع قدرت در موضع ضعف قرار گرفته است. و در شرایط فعلی با در نظر داشت مطالبی که مورد ارزیابی قرار گرفت، نه اینکه علایمی از اعتلای انقلابی در کشور نپال به چشم نمی خورد که با کمال تأسف ما شاهد فروکش انقلاب نیز هستیم. اگر قبل از این شرایط حزب کمونیست نپال (مائوئیست) با ارتش مسلح آزادی بخش خلق، نهادها و تشکلات توده ای گسترده در حدود 80 درصد مناطق روستائی اتکاء داشت که پایگاه قدرت مردمی حزب را تشکیل میداد و با اتکاء بر آن میتوانست بادشمنان طبقاتی خلق نپال مانورهای سیاسی براه انداخته و از موضع قدرت با آنها بر سر میز مذاکره بنشیند و بعد جنگ خلق را ادامه دهد؛ لکن اکنون در حالیکه ارتش خلق خلق سلاح شده و حزب در پروسه «مصالحه» بسر برده و با دشمنان طبقاتی خلق نپال در قدرت دولتی شریک شده و با چشم داشت به آرای که در انتخابات مجلس موسسان در آینده از روستاها و شهرها بدست خواهد آورد، متکی است. و این دو منشاء قدرت مردمی کیفیتاً از هم متفاوت اند. و همین مساله است که حزب کمونیست نپال را در موقعیت نهایت ضعیفی نسبت به قبل قرار داده است. و از طرفی آن منشاء قدرت در حال پیشروی به جهت تحقق استراتژی انقلاب خلق نپال بود اما این «منشاء قدرت» در نهایت امر دستیابی به اکثریت آرای مجلس موسسان خواهد بود که ممکن نیست حزب بتواند از این طریق به استراتژی حداقل آن یعنی به پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین دست یابد. و اینکه سیر تحول اوضاع و شرایط حاکم کنونی چه وقت و چگونه بر وفق مراد آنها چرخش کرده و خلق

های نپال باردیگرتوانند در شرایط اعتلای انقلابی مبارزات شانرا تحت رهبری حزب انقلابی شان به پیش برند موضوعی است که مربوط به آینده است. در شرایط کنونی همه انقلابیون، نیروهای مترقی و خلقهای سراسر جهان از وضعیت نامناسبی که انقلاب خلق نپال قرار گرفته است و یابعبارت دیگر باثراشتابه وانحراف جدی رهبران حزب، انقلاب خلق نپال در چنین وضعیتی خطرناکی گیر مانده است، دچار نگرانیهای شدید اند؛ زیرا قبل از یک ونیم سال اخیر این انقلاب بادورنمای روشن به پیش میرفت، نقطه ای امید برای کمونیستهای انقلابی، پرولتاریا، نیروهای مترقی و تمام زحمتکشان جهان بود. لکن با اتخاذ یک شیوه «تاکتیکی» بوسیله رهبران حزب یعنی " استحکام در استراتژی و انعطاف در تاکتیک" در عمل دیده می شود که انقلاب خلق نپال از مسیر درست و اصولی آن منحرف شده و در معرض خطر جدی قرار گرفته است. و نجات انقلاب از چنین شرایط پرمخاطره و قرار دادن آن در مسیر پیشرفت و تکامل واقعی آن یکی از وظایف عمده حزب کمونیست نپال (مائوئیست) و تمام کمونیستهای انقلابی جهان است.

به عقیده ای ما اصولاً هیچ راه وامکانی برای حزب کمونیست نپال (مائوئیست) خاصاً رهبران آن وجود ندارد که با ادامه شیوه کنونی بتوانند انقلاب دموکراتیک نوین را به پیروزی برسانند. همانطور که قبلاً هم تذکر داده شد تکامل اوضاع کنونی در نهایت به لغو نظام پادشاهی و تاسیس یک دولت جمهوری یعنی تاسیس دکتاتوری طبقات ارتجاعی که همین احزاب سیاسی کنونی نمایندگان طبقاتی آن اند خواهد انجامید. فقط راه اصولی و انقلابی ای که برای رهبران و کدرهای حزب وجود دارد بر آمدن از شرایط پرمخاطره فعلی و ساماندهی دوباره ارتش آزادی بخش خلق و تشکیل مجدد ساختارهای انقلابی خلق در دهات و ادامه مبارزه مسلحانه جهت پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین و تاسیس دولت دموکراتیک خلق تحت رهبری طبقه کارگراست. در غیر آن تداوم موقعیت فعلی و یا توقف در موقعیت و شرایط فعلی به زیان و ضیاع نیروهای انقلابی و هدر دادن دست آوردهای ده ساله انقلاب خلق نپال تمام خواهد شد. و هر چه بیشتر امید خلق نپال را برای آزادی و نجات واقعی شان از سلطه و ستم طبقات ارتجاعی و امپریالیزم و دولت هند به یاس مبدل خواهد کرد.

نویسندگان اطلاعیه ها دقت نمایند که تحلیل و ارزیابی واقعیتهای عینی در کشور نپال نشان میدهد که انکشاف اوضاع در طی 18 ماه اخیر به جهتی سیر نمیکند که نشانه های روشنی از گشایش باب بسوی پیروزی مائوئیستها باشد. و تداوم این وضعیت هر چه بیشتر توده های خلق نپال و انقلابیون و خلقهای جهان را دچار توهم عمیق تری خواهد کرد. زیرا اصولاً انتقال «مسالمت آمیز» قدرت سیاسی از طبقات ارتجاعی فئودال و کمپراور وابسته امپریالیزم و دولت هند امکان پذیر نیست. و هر نیروی که موقعیت فعلی حزب کمونیست نپال (مائوئیست) را « پیشروی به سوی یک پیروزی قاطع بردشمنانش دانسته و آنرا در راه پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین» ارزیابی نماید بدون شک گرفتار انحراف اپورتونیستی شده است. زیرا پذیرش موقعیت کنونی حزب

کمونیست نپال(مائونیست) و انتظار پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین از ادامه و تکامل اوضاع فعلی در نپال خود انتظار «انتقال مسالمت آمیز» قدرت سیاسی را معنامیدهد. این مطلب را باید مدنظر داشت که قدرتهای امپریالیستی خاصاً امریکا و دولت توسعه طلب هندباآنکه ظاهراً تحولات بوجودآمده در طی یک ونیم سال اخیر را به نحوی محتاطانه مورد استقبال و حمایت قرار داده اند اما آنها و طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور در نپال هرگز به کمونیستهای واقعی وتوده های خلق انقلابی اعتمادی ندارند و دست از توطئه علیه آنها بر نمی دارند؛ مگرزمانیکه متیقین شوند که نیروی انقلابی دچار انحراف شده وعملاً سنگرانقلاب خلق را رها کرده است؛ در آن صورت است که مساله برای شان حل خواهدبود. در غیر آن همه این نیروهای اهریمنی باتمام توان تلاش خواهند کرد تا انقلاب وتوده های خلق را سرکوب کنند. ونیز این موضوع را نباید از نظر دور داشت که پذیرش ظاهری اوضاع فعلی در نپال از طرف طبقات ارتجاعی، امپریالیزم ودولت هند فرصتی خواهدبود برای شان جهت تدارک یک توطئه خایانه در سرکوب انقلاب خلق نپال .

انکشاف تازه وقهقرای دیگر:

بتاریخ 15 جون 2007 پراچندا صدر حزب کمونیست نپال(مائونیست) باجیمی کارتر رئیس جمهور سابق امریکا در نپال دیدار نمود. پراچندا بعد از ملاقات(50) دقیقه ای اش باجیمی کارتر به خبرنگاران گفت: " من از جیمی کارتر رئیس جمهور پیشین امریکا تقاضا کردم تا این ابتکار را بدست گرفته و کمک نماید تا دولت امریکا برچسپ تروریست را از حزب ما برطرف کند، پراچندا اظهار داشت: « ما گفتیم که ما میخواستیم روابط خوبی با دولت امریکا برقرار کنیم، کارتر در مورد انتخابات اسامبله قانونی راجع به تعهد مائونیستها در انتخابات ماه دسمبر سوال نمود. ما گفتیم که ما بسیار خوشحال هستیم که بالاخره جریان انتخابات را مشاهده می کنیم مایکدهه برای اسامبله قانونی جنگیده ایم. کارتر همچنان راجع به رقابت جمعی وتعهد مائونیستها جویاشد. پراچندا گفت؛ کارتر هم چنان راجع به فعالیتهای لیگ جوانان کمونیست سوال نمود ما به او گفتیم که در این مورد اغراق بزرگ است. ما گفتیم که ما آماده هستیم اگر آنها اقدام اشتباهی داشته باشند آنها را اصلاح کنیم. همچنان ما تقاضا کردیم تا به هجوم «مادهیزی» و کشتار کدرهای لیگ جوانان کمونیست در این او اخر عطف توجه نماید.

این ملاقات در هتل سوآلتی برگزار گردید، کارتر گفت که: بعد از بازگشت به کشورم راجع به وضعیت نپال به رئیس جمهور گزارش خواهم داد."

همه میدانند که جیمی کارتر عنصر مهم وموثری در نظام امپریالیستی امریکاست وسفر او به کشور نپال وملاقات های او با سران دولت ورهبران احزاب سیاسی نپال وبرنامه ملاقات خصوصی او با پراچندا صدر حزب کمونیست نپال(مائونیست) بخشی از برنامه کاری دولت امریکا در رابطه به ارزیابی از اوضاع نپال وتحت نظر گرفتن تحولات سیاسی یک ونیم سال اخیر نپال وسمت دهی جریان اوضاع به جهتی که خواست دولت امریکا، سایر قدرتهای امپریالیستی ومنطقه ای وطبقات ارتجاعی در نپال

است، میباید. باید خاطر نشان نمود که قدرتهای امپریالیستی در اوضاع و شرایط مشخص و در مواقع معین در برابر تحولات اوضاع در کشورهای تحت سلطه و تاثیرگذاری و اعمال نفوذ بر آنها، از عناصری از طبقات حاکم که ظاهراً منصب رسمی دولتی نداشته باشند، استفاده میکنند. این شیوه خصوصاً در شرایطی در کشور مفروضی بکار گرفته میشود که نقش توده های مردم در تغییرات و تحولات کشورشان در همان مقطع برجسته باشد، تا بدین صورت حساسیت توده های خلق را که در ضدیت شدید با قدرت امپریالیستی ای که بیش از سایر قدرتهای امپریالیستی طبقات ارتجاعی کشورشان را کمک و حمایت کرده است، قرار دارند، برنانگیزد و هم تماس «رهبران» مبارزات مردم با چنین «سفیرانی» مورد سوء ظن توده های مردم قرار نگیرد. کارتر در شرایط و اوضاع کنونی کشور نپال تقریباً همین نقش را ایفا کرده و ماموریت اش در همین راستا بگونه پلان شده از طرف دولت امریکا به منظور هدف معینی صورت گرفته است.

حال نکات عمده سخنان پراچندارا در ملاقات با جیمی کارتر مورد بررسی قرار میدهیم: این گفته پراچندا که: "ما یکدهه برای اسامبله قانونی جنگیده ایم" چه چیزی را تداعی مینماید! آیا این گفته خلاف ادعای های قبلی رهبران حزب کمونیست نپال (مائوئیست) را که میگفتند با برنامه "پافشاری در استراتژی و انعطاف در تاکتیک" در این پروسه همکاری میکنند، ثابت نمی سازد؟ بایان دیگر ادعای ادامه انقلاب و حرف از پافشاری روی استراتژی در پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین و انقلاب سوسیالیستی دیگر به پوچی بدل نمی شود؟ آیا این نظرات و موضعگیریها به منزله توقف مبارزه طبقاتی و انقلاب خلق نپال نیست؟ انقلابی که در طی بیش از یک دهه خلق های نپال با مبارزات انقلابی شان عمده مبارزه مسلحانه ضربات سهمگینی بر ارتجاع فئودال کمپرادوری وابسته امپریالیزم و دولت هندوار کردند و قربانیهای بی همتای را پذیراشده، فداکاریهای بی نظیری کرده و مصایب و بدبختیهای زیادی را در راه پیروزی انقلاب کشورشان متحمل شده اند.

آیدرخواست از جیمی کارتر برای حذف کلمه تروریسم از حزب کمونیست نپال (مائوئیست) از جانب دولت امریکا به مفهوم درخواست شناسائی آنها از جانب دولت امریکا و سایر قدرتهای امپریالیستی و جلب حمایت آنها نیست؟ و اگر قدرتهای امپریالیستی دیگر حزب کمونیست نپال (مائوئیست) را تروریست ندانند این به چه مفهوم خواهد بود؟! یعنی حزبی که دیگر مورد تایید امپریالیزم امریکا و دیگر قدرتهای امپریالیستی و دولتهای ارتجاعی قرار میگیرد؛ این به معنای مورد تایید دشمن قرار گرفتن است و امر بسیار بدی برای یک حزب انقلابی (م ل م) است و این ضربه ای بزرگی به وجه انقلابی حزب کمونیست نپال (مائوئیست) و انقلاب خلق نپال است. تامین روابط خوب با امپریالیزم امریکا به مفهوم ترک مخاصمت با امپریالیزم است و دیگر این حزب نمیتواند به منافع امپریالیزم بین المللی ضربه وارد کند. درین صورت این حزب نخواهد توانست از مبارزه طبقاتی و مبارزه علیه امپریالیزم صحبت نماید. زیرا در آن

صورت امپریالیزم این حزب را درلست سیاه اش گنجانده و برچسپ تروریست بر آن حک میکند!

آیادرچنین صورتی دیگر این حزب میتواند ادعا کند که واقعاً یک حزب مارکسیست – لنینیست- مائوئیست انقلابی است؟ آیا دیگر میتواند صحبتی از ادامه راه انقلاب دموکراتیک نوین و انقلاب سوسیالیستی در میان باشد؟ که نه!

این گفته پراچندا که به کارتر میگوید "مامیخواهیم که روابط خوبی با دولت امریکا برقرار کنیم" چه مطلبی را افاده میکند! اگر حزب کمونیست نپال (مائوئیست) که اکنون بخشی از دولت ارتجاعی نپال را تشکیل میدهد، بطور خاص مورد تایید و شناسائی دولت امریکا و دیگر دولتهای امپریالیستی نیز قرار گیرد و این حزب روابط حسنه ایرا با این دولت ها برقرار نماید؛ آیا دیگر این حزب میتواند به مفهوم واقعی و انقلابی آن صحبتی از حفظ روابط با خلق امریکا و خلقهای سایر کشورهای امپریالیستی و ارتجاعی بر اساس انترناسیونالیزم پرولتری داشته باشد؟! که ممکن نخواهد بود! آیا دیگر این حزب میتواند از رعایت اصول همبستگی و همکاری برادرانه با خلق امریکا و خلقهای سایر کشورهای امپریالیستی به مفهوم واقعی آن صحبت بنماید؟ آیادر آن صورت وفاداری به اصل انترناسیونالیزم پرولتری معنایش را از دست نمی دهد؟ در این حالت این حزب چگونه خواهد توانست به شیوه انقلابی در دفاع از منافع خلقهای جهان و دفاع از جنبشهای آزادیبخش ملی و جنبش های انقلابی پرولتری در برابر امپریالیزم و ارتجاع جهانی برخاسته و وظیفه انترناسیونالیستی اش را انجام دهد؟! که هیچ!

آیادر خواستههای فوق از دولت امریکا و همچنان اطمینان دادن پراچندا به کارتر از موافقت شان به اصول دموکراسی چند حزبی و پشتیبانی از نظام اقتصاد « بازار آزاد» به نحوی نشان دادن «چراغ سبز» به دولت امریکا و سایر قدرتهای امپریالیستی نیست که دیگر اطمینان داشته باشند که منافع سرمایه های امپریالیستی در نپال محفوظ مانده، مالکیت خصوص احترام شده و طبقات ارتجاعی خلع ید نمی شوند!

از این سخنان رهبران حزب کمونیست نپال (مائوئیست) بوی آشتی با امپریالیزم به مشام میرسد. و این نظرات و موضعگیریها زیر هر نامی و با هر ادعای که صورت بگیرد با اندیشه ها و اصول (م ل م) در تضاد قرار داشته و تعطیل کردن مبارزه طبقاتی و توقف انقلاب را میرساند.

همینکه جیمی کارتر طی کنفرانس مطبوعاتی گفت که اصرار خواهد ورزید تا دولت امریکا با مائوئیستها قسماً ارتباط برقرار کند، خود بمنزله نوعی اطمینان به پراچندا بود. کارتر دیگر ظاهراً اعتراض و ایرادی جدی ای به مائوئیستها نداشت فقط نگرانی اش را از حرکات خودسرانه و اخاذیهای لیگ جوانان کمونیست از تاجران نپالی (اگر واقعیت داشته باشد) ابراز نمود.

آیا باز هم تشکلاتی از جنبش انقلابی انترناسیونالیستی ادعا خواهند کرد که: پراچندا یک ملاقات خصوصی «دیپلوماتیک» با جیمی کارتر انجام داده است؟ و اگر به فرض اینرا هم به پذیریم، ماهیت سخنان پراچندا در موارد فوق و نقطه نظرات او در عرصه های مختلف

سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی چه چیزی را بیان کرده و چه هدفی را تعقیب میکند؟

آیا نویسندگان اطلاعیه ها مفهوم واقعی این ملاقات و محتوی گفته های پراچندارا چگونه تعبیر، تفسیر و توجیه خواهند کرد؟ آیا مسایلی که در این نوشته به آنها اشاره شده و مواردی چند از نقطه نظرات، مواضع و عملکردهای جدآ انحرافی رهبران حزب کمونیست نپال (مائوئیست) که مورد ارزیابی قرار گرفته اند به شکلی ختم مبارزه طبقاتی و توقف انقلاب را اعلام نکرده و یک عقب نشینی استراتژیک محسوب نمیشود؟ درحالیکه اینها علایم آشکاری از قرار گرفتن انقلاب خلق نپال در سراشیب سقوط است.

باز هم انکشافات و تحولات در آینده واقعیتهای را از نظرات و عملکردهای رهبران حزب کمونیست نپال (مائوئیست) آشکار خواهد کرد. و ما آرزو مندیم که اوضاع چنانکه فعلاً سیر دارد؛ سیر ننموده و انقلابیون کمونیست واقعی و خلق انقلابی نپال بادرک وضعیت کنونی حزب شان و موقعیت خطرناکی که انقلاب خلق در آن گیر مانده است و بابه نقد کشیدن نظرات، مواضع و عملکردهای رهبران شان در پرتواندیشه های انقلابی پرولتری (م ل م) و بارعایت دواصل انقلابی "خلاف جریان شنا کردن" و "شورش علیه هر ناحقی برحق است" و به حکم رسالت تاریخی و وظایف انقلابی شان و به کمک کمونیستهای حقیقی و نیروهای مترقی ضد امپریالیزم و ضد ارتجاع در جهان، انقلاب خلق نپال را از این ورطه نجات داده و آنرا در راه تکامل واقعی آن به پیش برند. یعنی سازماندهی دوباره ارتش خلق و آغاز دوباره جنگ انقلابی خلق و تحکیم پایگاه انقلاب در روستاهای کشور و تداوم مبارزه تا سرنگونی حاکمیت طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور و طرد سلطه امپریالیزم و دولت ارتجاعی هند و پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین و تاسیس دولت دموکراتیک خلق تحت رهبری طبقه کارگر و ایجاد جامعه سوسیالیستی به پیش برند.

بتاریخ 16 جون جیمی کارتر در چهارمین روز دیدارش از نپال طی کنفرانس مطبوعاتی گفت: " من حکومت امریکارا با اصرار و ادا خواهم کرد تا قسماً ارتباطی همراهی مائوئیستها برقرار کند. او گفت: من اقتدار و اختیاری ندارم من اینجا یک شهروند امریکائی شخصی (غیر دولتی) هستم. لاکن رجحان من اینست که امریکا با تمام احزابی که نقش قانونی دارند ارتباط برقرار کند.

کارتر به جواب سوالی که آیا به قصر سفید توصیه خواهد کرد که برچسپ تروریست را از مائوئیستها دور کند، گفت که: " من برداشتهای مرا به قصر سفید و منشی عمومی ملل متحد گزارش خواهم داد. این بهتر است که همراهی هر یک از احزاب که در چوکات سیاسی دولت نپال است در بعضی سطوح ارتباط برقرار باشد، معلوم است که مائوئیستها مقررات ملل متحد را در خلق سلاح بدرجه ای انجام داده اند، آنها بر اصول دموکراسی چند حزبی توافق کرده اند و علناً پشتیبانی خود را از تشبثات آزاد اعلام داشته اند.

کارتر گفت: هنوز درباره فعالیتهای لیگ جوانان کمونیست مانند مطالبه پول از تجار و زدن و کوبیدن نگرانی دارم و من این موضوع را با پراچندا مطرح کردم. کارتر گفت: پراچندا اطمینان داده است که تاجای امکان فعالیتهای لیگ جوانان را کنترل خواهد کرد. و هم چنان او مرا گفت که: او مردم مسابقه دموکراسی چند حزبی و نظام اقتصادی تشبثات آزاد (یعنی «نظام بازار آزاد» - توضیح از ماست) را حمایت میکنند. کارتر اضافه کرد: «اعمال تصدیق خواهد کرد» باین صورت که «مرکز کارتر» در نیپال از نزدیک بر لیگ جوانان کمونیست نظارت خواهد نمود تا اطمینان حاصل شود که رفتار آنها در آینده طوری باشد که وعده سپرده اند. من همچنان اطمینان دارم که رهبری گروه مادهیزی جانادیکار فوروم از زد و خورد دست برداشته و به صلح تعهد نماید. و همچنان من در نظر دارم که نظارت را درباره این تعهدات ادامه دهم.»

(برگرفته شده از سایت اینترنتی Nepalnews.com)

موضوع دیگر اینکه در اطلاعیه مطبوعاتی ششمین کنفرانس منطقوی احزاب و سازمانهای مائوئیست متحد در جنبش انقلابی انترناسیونالیستی در جنوب آسیا چنین میخوانیم که: «... در شرایطی از منطقه و جهان که فرصتها و چالشها، بر زمینه ظهور موج نوین انقلاب جهانی و تعرض ضدانقلابی امپریالیزم امریکا، این دشمن عمده خلقهای جهان در مقابل نیروهای مائوئیست شدیداً بالا رفته است، دایر گردید. این وضعیت بطور مشخص در نیپال، جائیکه انقلاب دموکراتیک نوین به رهبری حزب کمونیست نیپال (مائوئیست) به سطح تعیین کننده ای رسیده است، مشاهده می شود...» همچنین در همین اطلاعیه میخوانیم که: «... کنفرانس این موضع مائوئیستی را مجدداً خاطر نشان کرد که سازش میان یک حزب مائوئیستی و نیروهای ارتجاعی در یک کشور، نیروهای انقلابی در سایر کشورها را ملزم نمی سازد که عین کار را انجام دهند و اینکه آنها باید به اجرای وظایف انقلابی شان ادامه دهند. کنفرانس برای یک کارزار وسیع بخاطر دفاع از انقلاب در نیپال فراخوان داد و خواست عدم مداخله امپریالیستها و تمام مرتجعین در مسایل نیپال را قویاً مطرح کرد.»

در اطلاعیه مطبوعاتی سیمینار بین المللی درباره «امپریالیزم و انقلاب پرولتری در قرن 21» نیز چنین آمده است: «سیمینار بین المللی درباره امپریالیزم و انقلاب پرولتری در قرن 21، به مثابه بخشی از تجلیل از دهمین سالگرد آغاز جنگ خلق در نیپال، با شرکت 15 حزب و سازمان مائوئیست موفقانه به پایان رسید، سیمینار در گره گاه تاریخی ای که خلق نیپال به سوی یک پیروزی قاطع بالای دشمنانش پیشروی میکند، در حالیکه امپریالیزم امریکا، این دشمن عمده خلقهای جهان، در جنگ تجاوزکارانه اش، در عراق و افغانستان گیر مانده است، برگزار شد...»

نظرات فوق احیاناً اگر از روی بی دقتی هم ابراز شده باشد، جداً قابل تامل است: زیرا در اینجا صحبت از «ظهور موج نوین انقلاب جهانی» شده است لکن در اینجا تنها گفته میشود که: «تعرض ضدانقلابی امپریالیزم امریکا در مقابل نیروهای مائوئیست شدیداً بالا رفته است»، و نیز تنها از امریکا بحیث دشمن عمده خلقهای جهان یاد شده است!

درحالیکه هر موج نوین انقلاب جهانی پرولتاریائی خصومت و تعرض ضدانقلابی امپریالیزم و ارتجاع بین المللی را برمی انگیزد.

بنابراین دیالکتیک ماتریالیستی و بادر نظر داشت ماهیت و سرشت طبقاتی امپریالیزم جهانی و فورمولبندی تضادهای موجود جهان ، تضاد بین خلقها و ملل تحت ستم جهان با امپریالیزم تضاد عمده جهان را تشکیل میدهد و همه قدرتهای امپریالیستی شامل درسیستم امپریالیستی جهانی دشمن عمده خلقها و ملل تحت ستم جهان اند و نه یک قدرت امپریالیستی! امپریالیزم جهانی وحشی ترین و خونخوارترین دشمن انقلاب پرولتری در جهان است. چراکه موج انقلاب پرولتاریائی در هر منطقه ای از جهان که به ظهور برسد، در حقیقت سیستم امپریالیستی جهانی را مورد ضربت قرار داده و آنرا دچار وحشت و تب لرزه مرگ می نماید. از همین جاست زمانیکه در کشور معینی انقلاب تحت رهبری حزب انقلابی طبقه کارگر علیه طبقات ارتجاعی و امپریالیزم آغاز می شود (با آنکه در آن کشور منافع قدرت و یاقدرتهای امپریالیستی معینی که آن کشور را تحت تسلط داشته و طبقات حاکم ارتجاعی را کمک و حمایت میکنند، مستقیماً مورد ضربت قرار میگیرند)؛ لکن همه قدرتهای امپریالیستی و نیروهای ارتجاعی جهان در برابر این انقلاب قرار گرفته و حتی الوسع میکوشند تا این موج انقلابی را سرکوب و یاسرنگون کنند. ولی در اینجا ملاحظه میشود که نویسندگان این اطلاعیه ها در برابر ظهور این موج نوین انقلاب جهانی تنها صحبت از " تعرض ضدانقلابی امپریالیزم امریکا بحیث دشمن عمده خلقهای جهان به مقابل نیروهای مائوئیست دارند". از این نوشته به وضوح چنین استنباط میشود که گویا در شرایط کنونی جهان سایر قدرتهای امپریالیستی و نیروهای ارتجاعی جهان در برابر این موج نوین انقلاب جهانی بی تفاوت بوده و کدام خطر جدی از جانب آنها متوجه این موج انقلابی نیست! و این مطلب نیز قابل یادآوری است که امپریالیزم و ارتجاع جهانی نه تنها در برابر مبارزات خلقها که تحت رهبری نیروهای انقلابی مارکسیست- لنینیست- مائوئیست باشد بلکه هر مبارزه مترقی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی در جهان که در هر سطحی به منافع سرمایه و امپریالیزم جهانی صدمه وارد کند در برابر آن خصمانه قرار می گیرند. البته واکنش ضدانقلابی آنها به مقابل انقلاب پرولتری واقعی که هدف دارد تا بنیاد ستم و استثمار سرمایه و امپریالیزم و هر نوع ستم و استثمار را از جهان برکنده و جهان نوین و عادلانه ایرا برویرانه های آن اعمار کند، هرچه بیشتر شدید و وحشیانه است.

در شرایط موجود جهان ابر قدرت امپریالیستی امریکا از نظر اقتصادی و نظامی دارای تفوق بر دیگر قدرتهای امپریالیستی است و بحیث یک ابر قدرت امپریالیستی خلقها و ملل تحت ستم جهان را وحشیانه مورد تجاوز، ستم، استثمار ظالمانه و غارت قرار میدهد. و از جانب دیگر در عمل این همه تهاجمات و وحشیانه، ستمگریها و مظالم را علیه خلقها و ملل تحت ستم جهان در اتحاد با دیگر قدرتهای امپریالیستی انجام میدهد. مثلاً در حدود شش سال است که بیش از سی قدرت امپریالیستی تحت رهبری امریکا افغانستان

رادراشغال نظامی وسلطه استعماری شان دارند وحدودچهارسال است که امپریالیزم امریکا کشورعراق را دراتحاد بادیدر قدرت‌های امپریالیستی خاصتاً امپریالیزم انگلستان وحمايت دیگر قدرت‌های امپریالیستی موردتهاجم نظامی قرارداده وآنرا به سلطه استعماری شان درآورده اند. پس دراین صورت چگونه ممکن است به پذیریم که درافغانستان وعراق تنها امپریالیزم امریکاست که خلق‌های این دوکشور را مورد تعرض ضدانقلابی، تجاوزنظامی وغارت قرارداده وتنهاامپریالیزم امریکا دشمن عمده خلقها وملیتهای این دوکشوراست؟

درسطح جهان تمام کشورهای قاره های آسیا افریقا وامریکای لاتین تحت سلطه وستم قدرت‌های امپریالیستی مختلف قرارداشته وباهمدستی باطبقات ارتجاعی حاکم فئودال وکمپرادورخلق‌های این کشورهارا به شدیدترین وجهی موردستم واستثمارقرار میدهند. همچنان که خلق‌های کشورهای امپریالیستی تحت استثماروستم همین قدرت‌های امپریالیستی قراردارند.

درجهان این تنها ابرقدرت امپریالیستی امریکانیست که باتمام وحشت ودرنده خوئی خلقها وملل تحت ستم را موردستم واستثمارقرار میدهد بلکه همه دولت‌ها وقدرت‌های امپریالیستی دراین ستمگری واستثماربیرحمانه شریک اند. ولی درشرایط فعلی جهان هژمونی وتفوق امپریالیزم امریکا بحیث یگانه ابرقدرت اقتصادی ونظامی نیرومند درسیستم امپریالیستی جهانی متبازز بوده وبه تناسب توانمندی اش خلقها وملل تحت ستم جهان راموردستم واستثمارویا تجاوزنظامی قرارداده وآنهارا درسلطه استعماری اش کشیده است. باین عبارت که امپریالیزم امریکا به تناسب قدرت مندی اقتصادی ونظامی اش سهم قابل ملاحظه ای را ازتقسیم جهان بین قدرت‌های امپریالیستی نصیب میشود. ولی این بدان مفهوم نیست که درشرایط موجود جهان این تنها امپریالیزم امریکا است که دشمن عمده خلقهاوملل تحت ستم جهان بوده ودربرابرانقلاب جهانی تنها همین قدرت امپریالیستی دست به تعرض ضدانقلابی زده ودشمن عمده خلق‌های جهان است! درحالیکه موضوع خصومت ورزی امپریالیزم جهانی علیه خلقها وملل تحت ستم جهان وانقلابات پرولتاری بادر نظر داشت سلطه جهانی امپریالیزم برخلقها وملل تحت ستم جهان، مطرح است. نظریا نظراتی که تنهاامپریالیزم امریکارا دشمن عمده خلقها وملل تحت ستم جهان دانسته وتنهاازتعرض ضدانقلابی امپریالیزم امریکا علیه ظهورموج نوین انقلاب جهانی صحبت مینماید؛ باین صورت سایر قدرت‌های امپریالیستی جهان رادشمنان عمده خلقها وملل تحت ستم جهان به حساب نه آورده و گویا انقلاب جهانی راموردتعرض ضدانقلابی قرار نمی دهند! این نظرخلاف قانون دیالکتیک ماتریالیستی واصول علم انقلاب پرولتاری(مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم) است.

ازآنجاییکه تضاد بین خلقها وملل ستمدیده جهان وامپریالیزم برای انقلاب جهانی ازاهمیت بزرگی برخورداراست بناً این نظرتوده های خلق را درمورد سیستم امپریالیستی جهانی متوهم ساخته واین ایده را برآنها القا میکند که درشرایط کنونی

جهان گویا تنها امپریالیزم امریکا دشمن عمده و خطرناک خلقها و ملل تحت ستم جهان و انقلاب جهانی است! درحالیکه از نظر ماهیت و خصلت طبقاتی بین قدرتهای امپریالیستی چه کوچک و چه بزرگ و چه قدرتمند و چه ضعیف تفاوت اساسی وجود ندارد؛ همه درنده خو، غارتگر، دشمن انقلاب جهانی و دشمن خلقها و ملل تحت ستم جهان اند؛ همه آنها خطرناک اند، همه آنها در اتحاد و همدمستی با طبقات ارتجاعی خلقها و ملل جهان را مورد ستم و استثمار و حشیانه قرار داده و دشمن سرسخت انقلاب جهانی اند. ولی در کشورهای معینی بادر نظر داشت سلطه ستم و استثمار قدرت و یا قدرتهای امپریالیستی معینی بر خلق این کشورها و حتی در سطح جهان عملکرد هر یک از قدرتهای امپریالیستی علیه خلقها و ملل تحت ستم بر همین مبنا مورد ارزیابی قرار میگیرد. چنانکه بعد از جنگ جهانی دوم امپریالیزم امریکا بحیث یک قدرت امپریالیستی بزرگ بیش از دیگر قدرتهای امپریالیستی خلقها و ملل تحت ستم جهان را مورد تجاوز و غارت و ستم و استثمار قرار داده است. همچنان بعد از فروپاشی ابر قدرت سوسیال امپریالیزم شوروی و بلوک تحت رهبری آن در سال 1991 امریکا بحیث یگانه ابر قدرت یکه تاز در سطح جهان در جهت تامین منافع آزمندانه اش خلقها و ملل تحت ستم جهان را مورد تجاوز و غارت قرار داده و میدهد.

این نظر توجه توده های خلق جهان را از ستم، استثمار و غارتگری سایر قدرتهای امپریالیستی منحرف کرده و از شدت مبارزه خلقها علیه دیگر قدرتهای امپریالیستی کاسته و آنرا کم اهمیت جلوه میدهد. این نظربخش اکثریت قاطع کشورهای امپریالیستی را دشمنان عمده خلقها و ملل تحت ستم جهان خطاب نمی کند. درحالیکه بادر نظر داشت ماهیت و خصلت سرمایه و امپریالیزم و میکانیزم روابط درونی آن؛ همه قدرتهای امپریالیستی جهان خلقها و ملل تحت ستم را مورد ستم، استثمار، غارت و چپاول قرار داده و دشمن عمده آنها اند. با آنکه فکتور تضاد منافع بین کشورهای امپریالیستی همیشه عمل میکند ولی در تمام عملکردهای شان در سطح جهان علیه خلقها و ملل تحت ستم از طریق کمپنیهای غول پیکر چند ملیتی و سرکوب انقلاب جهانی بطور مرتب و به هم پیوسته عمل میکنند. از اینجاست که در فورمولبندی تضادهای اصلی جهان تضاد بین خلقها و ملل تحت ستم جهان و امپریالیزم جهانی مطرح است که در شرایط کنونی جهان این تضاد، تضاد عمده جهان را تشکیل میدهد.

طبق اطلاعیه ها این نظر در واقع در شرایط کنونی جهان، نظام امپریالیستی جهانی را بیک امپریالیزم خطرناک (امریکا) که انقلاب جهانی را مورد تعرض ضد انقلابی قرار میدهد و جنگ تجاوزکارانه علیه خلقها و ملل تحت ستم جهان به راه می اندازد و دشمن عمده خلقها و ملل جهان است" و باقی کشورها در نظام امپریالیستی جهانی که گویا خلقها و ملل تحت ستم جهان را مورد تعرض ضد انقلابی قرار نداده، جنگهای تجاوزکارانه را به راه نمی اندازند و از دشمنان عمده خلقها و ملل جهان بحساب نمی آیند، تقسیم مینماید. این نظراذهان پرولتاریا و زحمتکشان جهان را درباره ماهیت نظام امپریالیستی مغشوش میسازد.

البته موضوع هژمونی امپریالیزم امریکا و میزان گستردگی تجاوزات و غارتگریهای آن علیه خلقها و ملل تحت ستم جهان خصوصاً در طی بیش از یک و نیم دهه اخیر بحیث یک ابرقدرت نیرومند جهان مطرح است ولی این بدان مفهوم نیست که در شرایط کنونی تغییر اساسی در ماهیت تضاد بین خلقها و ملل تحت ستم جهان و امپریالیزم بوجود آورد. زیرا در فورمول بندی تضادهای اصلی جهان، تضاد بین خلقها و ملل تحت ستم جهان و امپریالیزم تضاد عمده جهان را تشکیل میدهد و به بیان دیگر امپریالیزم دشمن عمده خلقها و ملل تحت ستم جهان است. ولی تنها یک قدرت امپریالیستی (در شرایط فعلی امپریالیزم امریکا) را دشمن عمده خلقها و ملل تحت ستم جهان و نیروهای مائوئیست دانستن، غیر اصولی و انحرافی است.

هر قدرت امپریالیستی به تناسب قدرت مندی اقتصادی و نظامی اش در نظام امپریالیستی در سلطه بر جهان و اعمال ستم و استثمار بر خلقها و ملل جهان و غارت منابع و ثروتهای آنها عمل کرده و میکند. در گذشته نیز در دورانهای مختلف آن عده از قدرتهای استعماری و امپریالیستی که از قدرت مندی و هژمونی برخوردار بوده اند در تسلط بر جهان و قراردادن خلقها و ملل در سیطره قدرت استعماری و امپریالیستی شان بیش از دیگر قدرتهای استعماری و امپریالیستی رقیب بر خلقها و ملل تاخته اند و بخش وسیعی از جهان را در سلطه استعماری و امپریالیستی شان نگهداشته و منافع بیشتری را از غارت خلقهای جهان نصیب شده اند. ولی در شرایط کنونی این موقعیت موجب نمی شود که ابر قدرت امپریالیستی امریکا به تنهایی دشمن عمده خلقها و ملل تحت ستم جهان بوده و یاتنها این ابر قدرت، انقلاب جهانی را مورد تعرض ضد انقلابی قرار میدهد. در شرایط کنونی حتی در طی یک و نیم دهه اخیر امپریالیزم امریکا در اتحاد با دیگر قدرتهای امپریالیستی جهان خلقها و ملل تحت ستم جهان را مورد تجاوز و اشغال نظامی قرار داده و سلطه استعماری شان را بر آنها تحمیل کرده اند. در شرایط فعلی افغانستان و عراق مثالهای از این مورد اند. و در طی یک و نیم دهه اخیر چند مورد دیگر نیز در جهان وجود دارد که امپریالیزم امریکا و چندین قدرت امپریالیستی دیگر در اتحاد با هم در نقاط مختلف جهان خلقها و ملل تحت ستم را مورد تجاوز و غارت قرار داده اند، از جمله تجاوز و تهاجم نظامی امپریالیزم امریکا و متحدین اش به عراق در سال 1991 میلادی و تسلط بر منطقه استراتژیک خلیج فارس و تاسیس پایگاه های نظامی در این منطقه و تهاجم نظامی امریکا و متحدین اش در مارچ 1999 به کشور یوگسلاویا و تجزیه این کشور و تسلط بر منطقه استراتژیک بالکان.

این نکته نیز قابل تذکر است که احزاب و سازمانهای که پای این اطلاعاتیه ها امضا کرده اند تقریباً نصف آنها عضو جنبش انقلابی انترناسیونالیستی اند.

موضوع دیگری که شایان توجه و دقت است اینست که این احزاب و سازمانها به درستی نیروهای انقلابی در سایر کشورها را ملزم به اجرای عین عمل (عملکرد حزب کمونیست نپال (مائوئیست) که پروسه جنگ خلق را متوقف کرده و با امضای معاهده «صلح» با دولت نپال و امضای قرارداد (12) ماده ای با هفت حزب متلفه

و شمولیت در دولت، پروسه همکاری با این دولت و احزاب متلفه هفت گانه را به پیش میبرد- توضیح از ماست) نکرده و آنها را به اجرای وظایف انقلابی شان توصیه مینمایند. لکن برخلاف در اطلاعیه ها نسبت به موقعیت فعلی حزب کمونیست نپال (مائوئیست) صحبت از هیچگونه نظروموضع انتقادی در برابر نظرات، مواضع و عملکردهای غیر اصولی و جداً انحرافی رهبران حزب کمونیست نپال (مائوئیست) که انقلاب خلق نپال را از مسیر تکاملی آن منحرف ساخته و در چنین موقعیت پرمخاطره و وخیمی قرار داده اند، در میان نیست و بدین صورت توافق شانرا در زمینه اعلام میکنند. (پولاد)

30 جوزا سال 1386 (20 جون 2007)

سازمان پیکار برای نجات افغانستان (اصولیت انقلابی پرولتری)